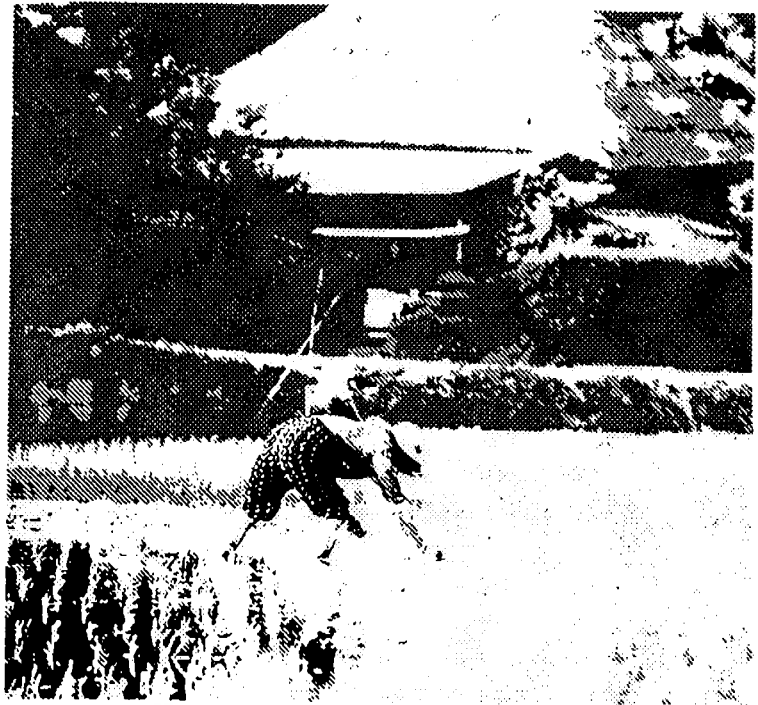


آن را به سایه آنچه که بود تبدیل کرده است. با اینحال دو نمونه بارز نشان می‌دهد که چگونه در صورت تشخیص نبض بازار، این نوع تعاونی می‌تواند هنوز بسیار موفق باشد. یک تعاونی مصرف شراب در سال ۱۹۶۴ تأسیس شده و در دهه ۹۰ هنوز ۴۰۰۰۰ عضو و فروشی بالغ بر ۲۰ میلیون دلار آمریکا دارد. در سال ۱۹۵۸ گروهی از دانشجویان تعاونی کتابفروشی‌ای را در سیدنی تأسیس کردند که به دیگر دانشگاه‌ها هم گسترش یافت و بعد از چهل سال، دارای ۶۹۵۰۰ عضو در ۳۰ مرکز دانشگاهی است.^{۵۲} تاکنون دارای ۴۰۰ تعاونی مصرف با میانگین تقریباً ۱۸۰۰ عضو است و بیشتر آنها به خوبی فعالیت می‌کنند. در مالزی، حدود ۲۲۵ تعاونی با میانگین ۳۷۶۰ عضو وجود دارد، که باز براساس گزارش‌ها بیشتر آنها از سوددهی خوبی برخوردارند. در هند، همانطور که از چنین کشور وسیعی انتظار می‌رود بیش از ۲۵۰۰۰ تعاونی مصرف و حدود ۷۰۰ فروشگاه عمده‌فروشی مرکزی وجود دارد. آنها به نتایج درهم و برهمی رسیده‌اند اما در مناطق شهری، سوپرمارکت‌های تعاونی، فروشگاه‌هایی پیشرو هستند.

سومین نوع، تعاونی‌های دارای گرایش توزیعی هستند که کالاهای اساسی مصرف‌کننده را اغلب به قیمت نظارتی به صورت خرده‌فروشی به اهالی محل می‌فروشند. تعاونی‌های بیشتر کشورهای منطقه از این مقوله‌اند. علیرغم کوچکی مغازه‌ها، اعضاء دخالت کمی دارند و بیشتر به خاطر حمایت دولت و نه توان رقابت در بازار سرپا هستند. به عبارتی، جایی که یک بازار خرده‌فروشی، خصوصاً در نواحی روستایی دورافتاده توسعه نیافته باشد، این تعاونی‌ها ضروری‌ترین راه توزیع کالاهای اساسی‌اند. به عنوان مثال در سریلانکا، ۲۸۶ شرکت چندمنظوره با شبکه‌ای مشتمل بر ۸۰۰۰ فروشگاه خرده‌فروشی که تقریباً تمام جمعیت را پوشش می‌دهند وجود دارد و کالاهای اساسی‌ای مثل گندم، شکر، عدس و سیب‌زمینی را توزیع می‌کنند.^{۵۳}

آخرین نوع تعاونی‌ها، کم توسعه‌یافته‌ترین تعاونی‌های مصرف‌اند



نهضت تعاون در منطقه آسیا و اقیانوسیه

○ نوشته: جانستون برچال

○ علی اصغر مقصودی

○ مأخذ: کتاب نهضت بین‌المللی تعاون (۲۰۰۱)

● قسمت سوم

تعاونی‌های مصرف

تعاونی‌های مصرف در این منطقه به چهار نوع تقسیم شده‌اند.^{۴۹} در ژاپن، سنگاپور و جمهوری کره، تعاونی‌های مصرف توسعه یافته وجود دارد که مشخصه آنها کارایی، مهارت‌های مدیریتی و بازار محوری است و در مقابل، در این تعاونی‌ها خرید فقط برای اعضاء آزاد است. ژاپن دارای ۶۷۰ تعاونی مصرف است که حدود ۱۴ میلیون عضو و سالانه بالغ بر ۳۳ بلیون دلار آمریکا فروش دارد.^{۵۰} در ادامه به تفصیل به این دستاوردها خواهیم پرداخت. سنگاپور فقط پنج تعاونی مصرف دارد، اما براساس گزارشی: هر پنج تعاونی... بسیار قوی، کارا و در این جزیره از شهرت برخوردارند.

مشارکت اعضا و افزایش نقش و شأن زنانی شود که به عنوان زن خانه‌دار در موفقیت هان نقشی کلیدی به عهده بگیرند. در سال ۱۹۶۵، توافق شد که فدراسیون ملی به سازمان مرکزی خرید تبدیل شود، طوری که تعاونی‌ها بتوانند قدرت خریدشان را از کارخانه‌داران به حداکثر برسانند. توسعه کالاهای مارک‌دار تعاونی آغاز شد که خود باعث کسب شهرت در زمینه کیفیت و همچنین ارائه کالا به قیمت‌های نازل شد.

در سال ۱۹۶۶، اجرای ایده‌ی مشاوره منظم با اعضا در مورد اینکه چه توقعی از محصولات دارند، آغاز شد و به شناخت دقیق تعاونی‌ها از نظرات مصرف‌کننده انجامید. به عنوان مثال، اعضا از فروش یک پودر شوینده به لحاظ زیست محیطی بی‌ضرر حمایت کردند. تعاونی‌ها قیمت‌های کاذب لوازم خانگی از قبیل تلویزیون را افشا کرده و آنها را به نصف قیمت فروختند.

تعاونی‌ها با یک رشته اقدامات در زمینه عرضه شیر خالص، قیمت‌های بالا و کیفیت پایین محصولی که لبنیاتی‌ها عرضه می‌کردند را افشا کردند، تعاونی‌های مصرف شروع به عقد مستقیم قرار داد با تعاونی‌های کشاورزی جهت تأمین شیر خالص کردند و سهم تعاونی از معامله شیر از ۱ به ۴ درصد افزایش یافت. نظام گروهی هان با تأکید بر توسعه کیفیت محصول در هم آمیخت، به طوری که به موجب آن اعضا کالاهایی را که مستقیماً از تولیدکننده و انبارهای توزیع به گروه داده می‌شد را می‌خریدند و روی هم‌رفته نیاز به فروش از طریق فروشگاهها را رفع کرده، و فروش غذای تازه به بهای پایین‌تر تضمین می‌شد. نتیجه‌ی آن نظامی بود که دخالت اعضا در تعاونی‌هایشان تشویق می‌کرد؛ و نقشی کلیدی برای کارکنان به عنوان مروجین مشارکت اعضا قائل می‌شد یک حالت قابل توجه این است که این حد بالای مشارکت اعضا قائل می‌شد.

یک حالت قابل توجه این است که این حد بالای مشارکت از طریق تعاونی‌های بزرگتر حاصل شد؛ بنظر می‌رسد؛ اندازه و دموکراسی همساز شدند. بر طبق گزارش

قانون جدیدی در مورد تعاونی‌ها به تصویب رسید: این قانون شکل‌های متمایز تعاونی‌ها را به رسمیت شناخت و از اصول اساسی تعاون و معافیت مالیاتی دفاع کرد.^{۵۹} اما آنها را در سطحی منطقه‌ای محدود و از انجام امور مربوط به بانکداری منع کرد. این بدین معنا بود که تا زمان تصویب یک قانون جدید در سال ۱۹۵۳، آنها نمی‌توانستند بانک تعاونی تشکیل بدهند و ناچار به اتکا بر سرمایه شخصی بودند؛ نقش کاگاو (Kagava) و دیگر مروجین مهم باقی ماند.

در طی بیست سال بعد، تعاونی‌های مصرف به سمت تعاونی‌های منطقه‌ای، تعاونی‌های شرکی و گونه‌های متنوعی از تعاونی‌های آموزشگاهی و دانشگاهی و تعاونی‌های شهرهای اقماری گرایش پیدا کردند. مخالفت سیاسی رو به رشد تجار بخش خصوصی این نهضت را می‌آزرد؛ در سال ۱۹۵۶ نهضت تبلیغاتی را برای عضوگیری آغاز کرد، که نتیجه آن فقط در یک سال، افزایش ۳۰ درصدی حجم معاملات بود.^{۶۰} مقایسه نهضت ژاپن با بریتانیا در این زمان جالب است. همانند نهضت بریتانیا، این نهضت طلا به‌دار رویه‌های ایجاد سوپرمارکتها و مراکز سلف سرویس جدید بود و همانند بریتانیا دوره‌ای از رکود اقتصادی ایجاد شد که در آن شکل‌ها برای بقا ناگزیر به ادغام در واحدهای بزرگتر بودند. با اینحال برخلاف نهضت بریتانیا، آنها تریبی اتخاذ کردند تا از زوال خود جلوگیری کنند. در حالیکه که کیفیت رهبری در تعاونی‌های مصرف به انحطاط می‌گرایید، تعاونی‌های دانشگاهی ژاپن نسل جدیدی از تعاونگران متعهد را پرورش دادند که به بهینه‌سازی مدیریت تشکیل‌های منطقه‌ای پرداختند و همچنین تشکیل‌های جدیدی را در نواحی شهری رو به رشد ایجاد کنند: این قبیل تشکیل‌های منطقه‌ای قوی‌ترین نوع تعاونی‌های مصرف شدند که با قدرت از تعاونی‌های کوچکتر و بخش خصوصی پیشی گرفتند.

در سال ۱۹۶۴ تعاونی تسوکورا Tsukuora اعضا را در زیرگروه‌های ۷ خانواری به نام هان Han، سامان بخشید تا یک عامل کلیدی در تجدید بنای

که منزوی و دورافتاده بوده و از نبود یک نظام توزیع کارا. از اینکه به لحاظ اقتصادی در حاشیه‌اند و از شکل‌های ابتدایی نظارت و مدیریت رنج می‌برند؛ این نوع تعاونی‌ها در بنگلادش، اندونزی، فیلیپین، نپال و افغانستان وجود دارند. به عنوان مثال، در فیلیپین ۸۰۰ تعاونی وجود دارد اما بیشتر آنها بسیار کوچک و غیرفعالند و تنها ۳۰۰ عدد از آنها آنچنان که باید و شاید کار می‌کنند، آنها نمی‌توانند به استانداردهای موردنظر دست یابند.^{۶۱} در بنگلادش ۷۲۴ شرکت به ثبت رسیده است، اما میانگین اعضایشان فقط ۵۳ عضو برای هر شرکت است.

پس. عموماً کمک تعاونی‌های مصرف به اقتصاد آسیا کاملاً محدود است و حمایت دولت از آنها نیز رو به کاستی است. این شکل تعاونی نیازمند اقتصادی پولی پیشرفته، درآمد متوسط بالا، سواد و رهبری خاص است. دفتر منطقه‌ای ایکا در هند در حال اجرای یک برنامه توسعه برای تعاونی‌های مصرف است که مدیران را آموزش می‌دهد، همایش‌هایی را برگزار می‌کند، خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهد و فروشگاه‌های نمونه ایجاد می‌کند تا کیفیت این بخش بالقوه بسیار مهم را بهبود بخشد.^{۶۲}

نهضت ژاپن چیزهای زیادی در مورد جگونگی پیش بردن یک نهضت تعاونی مصرف موفق دارد، که نه تنها به آسیایی‌ها بلکه به تعاونی‌های مصرف اروپای غربی و امریکای شمالی بیاموزد و از این‌رو ارزشش را دارد که باز به تفصیل به ژاپن بپردازیم. بعد از جنگ، نهضت مصرف ژاپن تحت عنوان یک فدراسیون گردهم آمد.^{۶۳} این فدراسیون به سرعت رشد کرد و در سال ۱۹۴۷ دارای ۶۵۰۰ تشکیل شد که به مثابه سازمانهای بزرگی که برای تأمین غذای کل جمعیت جنس را به صورت فله می‌خرند، عمل می‌کرد.^{۶۴} ۸۰ درصد آنها در قالب شرکتها سازمان یافتند، اما آن تعاونیهای بزرگتر که در طول جنگ به عموم مردم خدمت کرده بودند، می‌توانستند از طریق ایفای نقش فعال‌تری در جیره‌بندی غذا، از نظر اندازه بیش از دو برابر شوند.^{۶۵} در سال ۱۹۴۸

واسک Vask در اواسط دهه هشتاد پیش از ۱۲۰۰ تعاونی وجود داشت، اما حدود ۶۰ درصد معاملات توسط ۳۰ عدد از بزرگترین تعاونی‌ها انجام می‌شد.^{۶۲} ناداکوبه Nadakobe، تا پیش از زلزله اخیر، بزرگترین تعاونی دنیا بود. دموکراسی با کارآیی نیز همساز شده است. مقایسه ناداکوبه با شرکتی که بعد از آن بزرگترین تعاونی دنیا است. کنسوم استکهلم konsumstockholm و تعاونی دورتموند Dortmund نشان داد که با اینکه تعداد اعضای آنها نصف اعضای تعاونی مصرف استکهلم است، فروشگاههایشان دو برابر آنهاست. کوبه حدود یک سوم فضای طبقه سوم یک فروشگاه را در اختیار داشت و کارکنانش ۲۰ درصد کمتر بودند.^{۶۳} تفاوت اساساً در نظام خرید فله بود؛ در سال ۱۹۸۵، ۷۵ درصد معاملات از طریق فروشگاهها، ۳۷ درصد از طریق خرید اشتراکی و بقیه از طریق سفارش پستی انجام می‌گرفت. حجم متوسط معاملات هر فروشگاه ۴ برابر یک سوپر مارکت خصوصی معمولی، و معادل بزرگترین فروشگاههای خصوصی‌ای بود که بیش از صد نفر کارمند داشتند. پنج عامل را می‌توان در این امر مهم تشخیص داد: جایگزینی محصولات موجود با محصولات دارای مارک تعاونی که به لحاظ قابلیت اعتماد و خلوص امتحان شده‌اند. گروههای هان و نظام خرید فله، قرار داد مستقیم برای غذای تازه که با تعاونی‌های کشاورزی بسته می‌شد.^{۶۵} تأکید بر آموزش مطلوب کارکنان و دخالت اعضاء در توسعه محصولات، نظرات مصرف‌کننده و یک رشته فعالیتهای فرهنگی گسترده.

در اواسط دهه ۸۰ حداقل یکی از اعضای ۳۰ تا ۴۰ درصد خانواده‌های ژاپنی عضو تعاونی بودند و در بزرگترین حد آن ۷۰ درصد خانواده‌های منطقه عضو بزرگترین تعاونی یعنی ناداکوبه بودند. با این حال این به معنای «کوچک زیباست» نبود این تعاونی‌های بزرگ منطقه‌ای بودند که با موفقیت با فروشگاههای زنجیره‌ای رقابت می‌کردند و بیش از ۸۰ درصد کل معاملات تعاونی را از خود می‌کردند و برعکس برخی

گروه از ۱۱ تعاونی عمده حرکتی به سمت ایجاد فروشگاههای بزرگتر آغاز کردند و به توسعه فروشگاههای با مساحت ۱۵۰۰ تا ۲۳۰۰ متر مبادرت ورزیدند. گروههای هان فعالیتشان را به امور رفاهی برای جمعیتی که رو به پیری می‌رود گسترش می‌دهد، و در حال تبدیل شدن به یک حرکت جمعی گسترده‌ترند که مردان و زنان کارگر و تمام گروههای سنی را در برگیرد.^{۶۰}

میزان نفوذ نهضت ژاپن در بازار، در سطح پایینی قرار دارد، حدود ۲ درصد بازار خرده‌فروشی روی هم‌رفته، این امر بخش تعاون را به بزرگ‌ترین زنجیره در کشور مبدل می‌سازد که خرده‌فروشی‌اش هنوز تحت سیطره صدها هزار فروشگاه کوچک است. با این حال، برای پیشی گرفتن از خرده‌فروشان بزرگتر اصلاحاتی لازم است. قانون تعاونی‌های مصرف را از مرزهایشان در هر حوزه اداری در گذر منع کرده است و از این رو آنها می‌خواهند با ادغام در درون این مرزها تعاونی‌های بزرگتری را تشکیل دهند و با عمل مشترک به فعالیت در نواحی بپردازند.

انواع دیگر تعاونی‌ها

تعاونی‌های اعتبار و بانکهای تعاونی با رشد متوسط ۸ درصد در تعداد اعضاء و ۱۷ درصد در اندوخته بخشی است که در آسیا به سرعت رو به رشد است. فدراسیون‌ها با کمک شورای جهانی اتحادیه‌های اعتبار (WOCCU) در چندین کشور تأسیس شده‌اند در سال ۱۹۹۵، ۱۴۵۰۰ اتحادیه در آسیا به شورای جهانی اتحادیه‌های اعتبار با ۶ میلیون عضو پیوستند. اما نفوذ آنها در بازار با تنها ۳۴ درصد از همه مناطق کمتر بود.^{۶۱} کارهای زیادی است که باید انجام شود. محدوده انواع مختلف تعاونی‌های اعتبار بی‌شمارست. از چرخه‌های اعتباری به نام گروههای هویی hui در ویتنام (که ۴۰ درصد اعتبار را در مناطق روستایی و ۶۰ درصد اعتبار را در منطق شهری تأمین می‌کند) گرفته تا بانک گرامین Gramin در بنگلادش، که پیشرو قرض دادن به فقیرترین افراد دنیا بوده است (و مدعی نرخ ۹۸ درصدی بازپرداخت است) و

تعاونی‌های کوچک دچار مشکل بودند. در سال ۱۹۸۵ واسک دریافت ۲۸ درصد تعاونی‌های با حجم معاملات کمتر از ۱۰۰ میلیون یورو در سال، در مقایسه با کمتر از ۲ درصد تعاونی‌ها با حجم معاملات بیش از ۵۰۰ میلیون یورو، ضرر می‌کنند همانند اروپای شرقی، فدراسیون ملی اقداماتی را جهت متقاعد ساختن آنها برای ادغام در تعاونی‌های بزرگتر انجام داد. اما تعاونی‌های منطقه‌ای آن قدر قوی بودند که ۸۰ درصد نیازشان را برای سرمایه‌گذاری تأمین می‌کردند.^{۶۷} آنها از رقابت مستقیم بر سر مواد غذایی، کار تخصصی روی غذا و خصوصاً تأمین محصولات تازه اجتناب کردند. برخی سود سهامی پرداخت کردند اما چندان زیاد نبود (در سال ۱۹۸۵ بالاترین میزان ۸ درصد فروش بود) و مطالعات نشان داد که اعضاء برای کیفیت غذا، قیمت‌های پایین و آرمانهای تعاونی ارزش قائل می‌شوند.

تفرق از تعاونی‌ها در بین خرده‌فروشان کوچک به جدلی انجامید که قصد داشت دولت را متقاعد کند که مانع باز شدن فروشگاههای جدید و انجام کارهای اشتراکی شود. اما یک کمیسیون دولتی اقدامات نهضت را به عنوان یک «قدرت جبرانی هوادار مصرف‌کنندگان» تأیید کرد و اظهار داشت که باید از آن حمایت شود.^{۶۸} تهدید محیلانه‌تر دیگر تضعیف نظام گروه‌ها بود که هسته دموکراتیک نهضت بود. به عنوان مثال در سال ۱۹۸۵ تعاونی کاناگاوا دریافت که بعد از ده سال رشد سریع، گروههای هان، بعضاً به خاطر شمار رو به رشد زنانی که در قبال مزد کار می‌کردند و بعضاً به خاطر تغییر علائق در بین اعضاء رو به زوالند.^{۶۹} در نتیجه متدهای جدید، متدهایی همچون واگذاری امور به گروههای هان در بعد از ظهرها و توسعه نظام خرید کلان مشتمل بر خرید محصولات تازه کشاورزی به کار گرفته شد. تعاونی‌هایی که قبلاً فقط در زمینه تحویل کالا فعالیت می‌کردند فروشگاههای باز کرده بودند با این که سه چهارم از تعاونی‌ها هنوز دارای فروشگاههایی بسیار کوچک بودند (دارای مساحتی کمتر از ۵۰۰ متر مربع) یک

مرکب از ۶۸۷ مرد، ۳۶۰ زن و ۶۴۶ عضو تازه وارد بود. این تعاونی به اعضای نسبه می‌دهد. خدماتی همچون آب تمیز ارائه می‌کند و صاحب ۲۸ مغازه است. این تعاونی خدمات رفاهی گسترده، بیمه مشترک و حتی کمک هزینه دوران کهولت را نیز عرضه می‌کند. کلید موفقیت آن رهبری خوب و اصرار بر صرفه جویی است که آنها را قادر می‌سازد تا سرمایه‌ای را برای توسعه بیشتر اقتصاد محلی تامین کنند. نمونه دیگر شکل مالی Maleny در کوینزلند استرالیاست که همانند سایر تشکلهای روستایی در آتلانتیک کانادا، شاخه‌ای از بنگاه‌های تعاونی دارد که با هم اقتصاد تعاونی محلی را ایجاد می‌کنند در مالزی، شبکه بهداشتی فرعی‌ای وجود دارد که مؤسسان آنها مالک آنها هستند. این تعاونی‌ها با تعاونی‌های مصرف، بانکهای تعاونی و تشکلهای بیمه در تعاونی‌های ملی ای که مشترکاً صاحب آن هستند، به نام کوهیسات (Kohisat)، همکاری می‌کنند. در فیلیپین، سازمانی که در راس سازمانهای ملی تعاون قرار دارد در حال ایجاد تعاونی‌های بهداشتی‌ای است که استفاده‌کنندگان صاحبان آنها نیز هستند. توسط شورای اتحادیه تجاری برای اعضایش تأسیس شده‌اند. در ژاپن، نظامهای تعاونی مصرف و کشاورزی چنان قوی هستند که خودشان خدمات بهداشتی را مثل دیگر ارائه‌دهندگان این خدمات که عمدتاً توسط دولت تامین مالی می‌شوند، ارائه می‌دهند، اما اصول نظارت استفاده‌کننده را که برای نهضتهای تعاونی مادر بنیادی است، را حفظ کرده‌اند. نهضت کشاورزی که اساسی روستایی دارد، در زمره دومین نوع فدراسیون‌های تعاونی کشاورزی است. هر دو نظام بر بهداشت مبتنی بر پیشگیری و زندگی بهداشتی تأکید کرده‌اند و دامنه فعالیتشان به ارائه مراقبت‌های اجتماعی به افراد کهنسال نیز گسترش یافته است. در نهایت تعاونی‌های مسکن کم توسعه‌یافته‌ترین تعاونی‌های منطقه‌اند. یک استثنای قابل توجه ترکیه است، که تعاونیها در توسعه شهر جدید باتیکنت (Batiknet) در آنکارا به کار گرفته شده‌اند. تعاونی کنت (Kent) در سال

اعضاء باشد، توسعه یک نظام رایانه‌ای و بانکداری الکترونیک رونق یافتند. مفسری Cuscal را اینگونه تشریح می‌کند: هیئت چتری‌ای که، در مقایسه با بقیه به ظاهر به لحاظ مالی تأمین‌ترین، ماهرترین، حرفه‌ای‌ترین و فراگیرترین هیئتی است که تعاونی‌های این کشور تا بحال تجربه کرده بودند؛^{۷۲} نهضت هم اکنون بیش از حالت اشتراکی در زمینه امور مالی گذر کرد (ساختن‌سازی و تشکلهای اشتراکی) تا بزرگترین تأمین‌کننده غیربانکی خدمات مالی شده و در رأس هفت نهاد در بازارهای خرده‌فروشی قرار گیرد. به تدریج اتحادیه‌ها به جایگاه بانکهایی می‌رسند که حق صدور دسته چک را دارند. یکی از سنج‌های موفقیت آنها اینست که کمیونی دولتی آنها را ملزم به داشتن قوانین سخت و سخت کرده است، وضعیت خاص مالیاتی خود را از دست داده‌اند و مجبور شده‌اند که اندوخته سرمایه خویش را افزایش دهند (۷۴). با اینحال، منتقدان خاطر نشان می‌کنند که در طی این فرایند، آنها برخی از ویژگی‌های اصلی خود را به عنوان تعاونی‌های محلی نیز از دست داده‌اند. در این منطقه تعاونی‌های کارگری تجربه چندانی خوب نبودند. شبکه‌ای از تعاونی‌های صنایع دستی در هند، چین، ویتنام، سریلانکا و چند کشور دیگر وجود دارد، گرچه کاهش حمایت دولت به معنای شکست بسیاری از آنهاست. تعداد کمی نمونه بارز از تعاونی‌های اشتراکی جمعی نیز وجود دارد (۷۵). یکی از آنها تشکلهای کارگران دیدار (Deadar) در بنگلادش است، که از درون تشکلهای صاحبان کالسه‌های چینی و چایکاران رشد کرد و به تعاونی روستایی تبدیل شد که در سال ۱۹۸۹ حدود ۱۷۰۰ عضو



نهضت اتحادیه اعتباری مدرن در استرالیا. در اینجا، اتحادیه‌های اعتباری، بعد از جنگ جهانی دوم، به عنوان سازمان‌هایی کوچک، داوطلب‌گردان شروع به کار کردند و (مثل اتحادیه اصلی ریفایزن) در اصل قلمروهای کلیسای کاتولیک بانی آنها بودند. در آن زمان، بانکها از پرداخت وام‌های شخصی خودداری می‌کردند و شق‌های دیگر آنها وام‌های همراه با رشوه بود که بسیار گران بودند. اتحادیه‌های اعتباری به سرعت رشد کردند تا جایی که تعداد آنها به ۷۰۰ رسید. تصور می‌شد که با قانونزدایی از بانکداری، در اوایل دهه‌ی هشتاد، آنها نمی‌توانند به بقا ادامه دهند؛ و حرکت به سمت تشکلهای غیرنقدی و بازاری ملی در جهت مخالف این اتحادیه‌های کوچک و اساساً محلی باشد که قانون آنها را از فعالیت در خارج از هر ایالتی منع کرده بود. آنها نه تنها به بقا ادامه دادند بلکه از طریق همکاری و تعاون با یکدیگر در جهت تشکیل سازمان‌های حمایتی، اتحادیه‌های منطقه‌ای و هیئت‌های ملی، Cuscal که تأمین‌کننده عمده‌ی خدمات مالی به

۱۹۷۹ با ۱۳ تعاونی ساخت و ساز تشکیل شده و هم اکنون ۱۰۵ تعاونی با ۳۰۰۰۰ عضو دارد. این توسعه ناشی از مشارکت بین شهرداری آنکارا و تعاونی کنت در زمینه تأمین زمین ساختمانها، ایجاد زیرساختها و مناطق بازرگانی و فعالیت تعاونی در رابطه با تخصیص و ساخت بناهای مسکونی بود. بعد تعاونی‌های دارای ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر عضو صاحب املاک خود می‌شوند و نمایندگانی را برای معرفی به تعاونی کنت انتخاب می‌کنند که این امر به واسطه یک هیئت ائتلافی و یک آژانس توسعه رخ داد. این مدل هم اکنون در سایر بخش‌های ترکیه هم با بیش از ۲۰۰۰۰ خانه که برای ۸۰۰۰۰ هزار نفر در حال ساخت است، اعمال شده است.^{۷۶} همگام با دیگر تعاونیها، این جریان به یک خیزش تکان‌دهنده متشکل از حدود ۲۵۰۰۰ تعاونی با قریب یک میلیون عضو می‌انجامد.^{۷۷}

نتیجه‌گیری

در آسیای در حال توسعه، مثل آفریقا، ضروری است که تعاونیهای کشاورزی به تجدید حیات اساس عضویت بپردازند، چرا که با چالش سازگاری ساختاری مواجه هستند. همچنین ضروری است که دولتها به آهستگی کنار بکشند، البته طوری که باعث از هم گسیختگی این بخش قبل از اینکه روی پای خود بایستد، نشوند.

همچنین به قوانین مصوب تعاونی نیاز است، تا تعاونیها را تعریف کند، متعهد به اجرای اصول ایکا کند، حداقل شرایط را برای ثبت تعاونیها فراهم آورد، نقش دولت و تعاونی‌هایی که در رأس قرار دارند، مشخص کند و اجازه دهد تا تعاونیهای قبلی و گروههای خودیار به ثبت برسند. پس از آن بایستی قانون با سیاست‌های دولت سازگار شود و این امر باید شامل برنامه‌هایی برای واگذاری نقش‌های آموزشی و تربیتی، ترویجی و بازرسی به سازمان‌هایی که در رأس قرار دارند باشد و اگر این اقدامات به حد کفایت توسعه نیابد، باید به یک نوع میانجی از آژانس توجه واگذار کردند. در کشورهای توسعه یافته، ضروری

است که تعاونیها با چالش‌های بازار جهانی، نیازها و ذائقه‌های متغیر جمعیت‌های پیچیده شهری، مواجه شوند. بخش‌های تعاونی‌های مصرف و کشاورزی ژاپن در جایگاه مستحکمی قرار دارند و می‌توانند چیز زیادی را به بقیه جهان بیاموزند، اما آنها نیز هم‌اکنون با مشکلات رقابت فزاینده و نیاز به تجدید ساختار روبرو هستند. اگر بخش‌های از هم گسیخته، تعاون استرالیا بتواند یک نهضت شود، آن نهضت نیز می‌تواند برای خود نقشی متمایز در اقتصاد حاشیه اقیانوسیه حک کند و تعاونی ثبتی نیوسوت ولز New South Wales مصداق این امر است که چگونه یک بنگاه دولتی مدرن می‌تواند بدون به خطر انداختن استقلال بخش تعاون از آن حمایت کند. بالاخره به یک راز و یک نوید در رابطه با چین می‌رسیم. راز این است که آیا بخش مستقل و ناب تعاونی در حال ظهور است یا نه و نوید این است که اگر چنین شود، این بخش بزرگترین بخش تعاون در دنیا خواهد بود.

* این نوشتار ترجمه فصل هفتم کتاب "نهضت بین‌المللی تعاون"، تألیف دکتر جانستون برچال می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۴۹- نابینی (۱۹۹۴).

۵۰- اعداد و ارقام از ماچیا Machima

(۱۹۹۵)، کمی با آمار و ارقام ارائه شده توسط یاماگیچی (۱۹۹۵) - ۶۵۲ تعاونی و ۱۷/۴ میلیون عضو فرق می‌کند.

۵۱- ماچیا Machima (۱۹۹۵).

۵۲- نگاه کنید به الد میدو Old Midow (۱۹۹۵).

۵۳- ماچیا (۱۹۹۵).

۵۴- نظر دواوری ماچیا (۱۹۹۵).

۵۵- نگاه کنید به ماچیا (۱۹۹۵).

۵۶- نیهون کیودو کومیایی دومی Nihon Kyodo Kumiai Domei. کاگاوا توپوهیکو Kagava Tohyoko تا به حال بارزترین رهبر نهضت شده بود.

۵۷- واسک می‌گوید این اولین قدم در رفتن به سوی شکل تعاونی "کیودو کونیو" "Kyodo Konyo" یک سازمان خرید جمعی که ضرورتاً دارای یک بازار فروش نیست، است.

۵۸- ناداکوبای کومیای و کوبه شوئی کومیای هر دو به این شیوه سود بردند. مثل بریتانیا، تعاونیها از ریاضت‌های صادقانه نسبت به جیره‌بندی سود بردند.

۵۹- از جمله بی‌طرفی سیاسی.

۶۰- واسک (۱۹۸۹)، ص ۱۰۵۴.

۶۱- گروه‌های هان از طریق کمیته‌های منطقه‌ای با هیئت مدیره ارتباط داشتند.

۶۲- آمارها، بنا به اینکه آیا همه‌ی تعاونی‌ها را شامل می‌شوند یا فقط آنهایی را که عضو اتحادیه تعاونیهای مصرف ژاپن هستند، متفاوتند.

۶۳- واسک (۱۹۸۹)، صفحات ۱-۱۰۷۰.

۶۴- توجه کنید که خیلی از شکل‌ها نیز از مغازه‌ها به عنوان مراکز توزیع خرید عمده استفاده می‌کنند.

۶۵- به آنها سانچکو جیگیو Sancheku Jigyō می‌گویند، این نمونه بسیار خوبی از تعاون بین تعاونیها در عمل است.

۶۶- با اینحال یک تعصب طبقه متوسطی وجود دارد. براساس تحقیقی که در مورد اعضاء در تعاونی‌های شهری در ۱۹۸۴ انجام شده است، بیش از ۷۰ درصد اعضاء از طبقه متوسط هستند و فقط ۱۵ درصد به طبقه کارگر تعلق دارند. (برطبق گزارش واسک (۱۹۸۹))

۶۷- اعداد و ارقام از واسک (۱۹۸۹)، برای ۱۹۸۵.

۶۸- تاکامورا Takamura (۱۹۹۲)، ص ۵۱.

۶۹- یاماگیچی (۱۹۹۵)، و یاماگیشا و کوموری (۱۹۹۵).

۷۰- تاکامورا Takamura (۱۹۹۲).

۷۱- استرالیا با خاورمیانه به حساب نیامده‌اند. شکل‌های گروه‌ای نشان داده‌اند که اتحادیه‌های اعتبار سهمی حدود ۱۳ درصد را در بازار دارند، اما این ممکن است یک حالت غیرمعارف آماری باشد. مادین (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که اعتبار کشاورزی تابع عملکرد تعاونی‌های کشاورزی است.

۷۲- ماتپوز Mathews (۱۹۹۵)، ص ۲۴۸.

۷۳- ارقام از ماتپو (۱۹۹۵).

۷۴- کروسبی Drosbie (۱۹۹۴).

۷۵- تعریف انجمن تعاونی متفاوت است. در بریتانیا و ایرلند به معنای یک شکل یک با چندمنظوره است که یک سری فعالیت‌های تجاری را انجام می‌دهد. در اینجا از یک تعریف گسترده‌تر استفاده می‌شود: تعاونی‌ای که به چند برابر تکثیر می‌شود و باعث ایجاد یک اقتصاد تعاونی محلی متمرکز می‌گردد.

۷۶- گوکسو Goksu (۱۹۹۷).

۷۷- کلس Keles (۱۹۸۹).